

# شناسایی شاخص های مدرسه کارآمد پس از زلزله: یک پژوهش کیفی از زلزله سرپل ذهاب

مریم جلیلیان<sup>۱</sup>، محمدسجاد صیدی<sup>۲</sup>، محسن گل محمدیان<sup>۳</sup>

(صفحات ۱۶۶-۱۸۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۷

## چکیده

**هدف:** با توجه به زلزله خیز بودن ایران و همچنین با توجه به اهمیت و ضرورت نقش مدارس در زندگی دانش آموزان بخصوص در شرایط بحران، پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص های مدرسه کارآمد پس از زلزله سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت. **روش:** این پژوهش با روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی صورت گرفت. به همین منظور، ۱۵ نفر از متخصصان آموزش و پرورش (شامل مدیران، معلمان و مشاوران و...) به روش نمونه گیری هدفمند از نوع بارز، انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه عمیق جمع آوری گردید و برای تحلیل داده ها از کدگذاری به روش کولایزی استفاده شد. **یافته ها:** پس از مستندسازی مصاحبه ها تعداد ۲۹۰ کد خالص، ۱۲ زیر شاخص و در نهایت چهار شاخص اصلی شامل «دانش آموزان»، «معلم و کادر مدرسه»، «ساختار و امکانات مدرسه» و «محیط و خانواده» استخراج شدند. شاخص مربوط به دانش آموزان شامل زیرشاخص های انطباقی-کارکردی، روانی، تحصیلی؛ شاخص مربوط به معلم و کادر مدرسه شامل زیرشاخص های آموزشی، شخصی و امدادی؛ شاخص ساختار و امکانات مدرسه شامل زیرشاخص های؛ تجهیزات، برنامه ریزی، وظایف هماهنگی؛ و در نهایت شاخص محیط و خانواده شامل زیرشاخص های؛ مالی، روانی و فیزیکی - ساختاری است. **نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این پژوهش می تواند محتوایی کامل از اقدامات پیشگیرانه را

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
maryamjalilian7272@gmail.com

۲. نویسنده مسؤل، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
m.seydi@razi.ac.ir

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
mgolmohammadian@gmail.com

در رابطه با بحران زلزله به آموزش و پرورش ارائه دهد تا آن سازمان بتواند پروتکل‌هایی را برای مواقع بحران تهیه و به مدارس کشور ارائه دهد. مدارس با رعایت توصیه‌های حاصل از نتایج این پژوهش می‌توانند با حفظ کارآمدی خود به گذر موفقیت‌آمیز از بحران زلزله کمک کنند و تبعات آن را کاهش دهند.

**واژه‌های کلیدی:** مدرسه کارآمد، زلزله، مطالعه کیفی

## مقدمه

در طول تاریخ، طبیعت با نشان دادن چهره خشن خود با پدیده‌های ویرانگری چون سیل، آتش‌فشان، توفان، گردباد، آتش‌سوزی‌های گسترده و زلزله به انسان این نکته را یادآور شده است که این رویدادها بخشی از زندگی وی هستند، پیوسته رخ می‌دهند و نباید پنداشت که می‌توان از بروز همه‌ی آن‌ها جلوگیری کرد (بیان‌زاده، اسلامی، سام‌آرام، فروزان و اقلیما، ۱۳۹۴).

در واقع بحران زلزله یک واقعه چندوجهی؛ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی و دینی و اعتقادی است که در تمامی این وجوه، ابعاد دوگانه مثبت و منفی وجود دارد (کاظمیان، ۱۳۹۷). به‌طور کلی سوانح طبیعی و خصوصاً زلزله علاوه بر ایجاد صدمات جسمی، سبب بروز عوارض وخیم در بهداشت روانی افراد به‌جای مانده می‌شود. به علت وسعت و شدت آسیب‌های ناشی از زلزله مشکلات روانی حاصله معمولاً پایدار هستند. از آنجایی که ایران یکی از مناطق زلزله‌خیز جهان محسوب می‌شود و با توجه به ساختار قدیمی بنای اکثر مناطق روستایی و شهرها و تلفات بالای زلزله در این کشور، زلزله همواره یکی از پراسترس‌ترین وقایع احتمالی این مرز و بوم محسوب می‌شود و توجه به عواقب و اثرات روانی آن در کنار عوارض فیزیکی از اهمیت زیادی برخوردار است (کریمی، معتقد، انیسی، عاملی، کمچویی، قدوسی و سعادت، ۱۳۸۶).

زلزله به‌طور کلی خدمات اجتماعی و به‌طور خاص، مدارس و دانش‌آموزان و فرایندهای آموزشی خاص را مختل می‌کند و اثرات منفی زیان‌بار زیادی دارد. علاوه

براین، دوره تعطیلی طولانی مدت مدارس و اختلال در روند آموزشی اثرات شدیدی را ایجاد می‌کند، زیرا می‌تواند باعث محرومیت هزاران کودک از حقوق اساسی برای آموزش شود و آینده آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. زلزله‌ها مسئول مرگ و میر کودکان و همچنین آسیب‌های جسمی و روحی کودکان و قطع خدمات آموزش و پرورش بوده است (بایتیه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

از دست دادن اعضای خانواده، زندگی کودکان را دچار مشکل می‌کند و این اثرات منفی ممکن است پیامدهای شدیدی برای سلامت جسمی، رشد احساسی و عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد (اسمیلد ون دن دو، اسمیت و ولزواوین ون دن بوش<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). با این حال، در این دوره این احتمال است که عملکرد دانش‌آموزان در مدرسه کاهش یابد (مثلاً نمرات ضعیف، عدم توانایی در تمرکز) علاوه بر این، دانش‌آموزان ممکن است رفتارهای ناگواری را از خود نشان بدهند (مثلاً، مثل یک کودک رفتار کنند یا در انجام مهارت‌هایی که قبلاً داشتند ناتوان می‌شوند) و ممکن است از علائم جسمی (مثل سردرد و معده درد) شکایت کنند (ویدایاموکی، تن، سایل، میاواتی و سیلور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن<sup>۴</sup> اظهار داشته است که حوادث و بلایا دارای اثرات جدی بر خدمات آموزشی هستند. این اثرات نه فقط به دلیل تلفات ناشی از مرگ و میر آموزگاران و دانش‌آموزان، بلکه مواردی از جمله وقفه‌ی ناگهانی در روند آموزشی و اختلال روانی دانش‌آموزان نیز است (مهرآئین نزدیک و کاظمی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، زلزله‌ها می‌توانند نگرش دانش‌آموزان را نسبت به مدرسه و تحصیلات تغییر دهند به‌ویژه هنگامی که کودکان برای مدتی طولانی از مدرسه دور می‌مانند (تیرنی، خزائی، توبین و کریم گولد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

1. Baytiyeh, H.

2. Smilde-van den Doel, D. A., Smit, C., & Wolleswinkel-van den Bosch, J. H.

3. Widyatmoko, C., & Tan, E., & Seyle, D., & Mayawati, E., & Silver, R.

4. Japan international cooperation agency.

5. Tierney, K., & Khazai, B., & Tobin, L. T., & Krimdold, F.

مدارس نقش مهمی در پاسخ به مسائل بعد از فاجعه به عنوان راهی برای مقابله با مشکلات جامعه ایفا می‌کنند (کلتنبرگ، جنتری، هلدو موک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). اول اینکه، آن‌ها نقش مهمی در زندگی کودکان یک منطقه ایفا می‌کنند علاوه بر این، آن‌ها یک فضای فیزیکی را فراهم می‌کنند که می‌تواند به عنوان یک نقطه جمع‌آوری برای توزیع منابع، باشد. بنابراین، مدارس بخش مهمی از جامعه محلی و پاسخ بالقوه خط اول و بلندمدت پس از فاجعه هستند (ایوانزو اوهلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) و سازمان آموزش و پرورش به عنوان متولی امر آموزش جامعه نمی‌تواند نسبت به بحران‌های طبیعی که باعث از بین رفتن سرمایه‌های انسانی و مالی می‌شود، بی‌تفاوت باشد.

ایران کشوری زلزله‌خیز است. زلزله اخیر کرمانشاه به خوبی نشان داد که کودکان و جوانان تا چه اندازه در مقابل این بلای طبیعی آسیب‌پذیر هستند نکته قابل تأمل اینکه آموزش و پرورش هیچ برنامه مشخص و مدونی برای مدارس پس از زلزله و اقدامات قابل انجام در اختیار نداشت. در عین حال بررسی متون پژوهشی داخلی و خارجی در این حوزه نشان داد که خلاء جدی پژوهشی در زمینه مؤلفه‌های مدرسه کارآمد پس از زلزله که بتواند اثرات زیان‌بار روان‌شناختی آن را بردانش‌آموزان کاهش دهد وجود دارد، در ادبیات خارج از کشور برخی همچون بیتیه در سال ۲۰۱۷ در پژوهشی اهمیت ارتقاء انعطاف‌پذیری مدارس برای ایمنی کودکان و تداوم آموزش آن‌ها برای بهبود اثربخشی پس از زمین‌لرزه را نشان داد و همچنین این پژوهش نشان داد که ترویج همبستگی اجتماعی از طریق بهبود امنیت ساختاری لرزه‌نگاری ساختمان‌های مدرسه و توانایی مدرسان مدرسه با توجه به تغییر در تدریس و یادگیری آنلاین در هنگام اختلال یا تعطیلی مدارس، کلیدی برای بازیابی پس از زلزله جامعه آسیب‌پذیر در جوامع تقسیم شده است. اشمیت<sup>۳</sup> در پژوهشی در سال ۲۰۱۸ مجموعه‌ای از کمبودهای مرتبط با چگونگی تدریس و

1. Clettenberg, S., & Gentry, J., & Held, M., & Mock, L.M.  
2. Evans, L., & Oehler, J.  
3. Schmidt, J.

نیازهای دانش‌آموزان امروزی را شناسایی کرد و پیشنهادهایی برای بهبود برنامه و در نتیجه سطح آمادگی زلزله در میان دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها ارائه کرد و همچنین ساییل، ویدایا موکی و سیلور در سال ۲۰۱۱ در پژوهشی نشان دادند که بین افسردگی معلمان و رفتار کلاس رابطه منفی وجود دارد و هم‌چنین رابطه معنی‌داری را بین استرس پس سانحه معلمان و باورهای عمومی نسبت به اثربخشی معلمان نشان داد. با توجه به اهمیت پرداختن به دانش‌آموزان در شرایط پس از تجربه بحران از یک سو و همچنین شرایط مدارس لزوم بررسی شاخصه‌های کیفی مدارس کارآمد پس از تجربه بحران از دیدگاه متخصصان امر می‌تواند راهگشای مشکلات در آینده باشد.

## روش

در این پژوهش برای کشف و شناسایی شاخص‌های مدرسه کارآمد پس از زلزله از روش کیفی استفاده شد و برای اجرای آن، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. در این روش، به جای استفاده از داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های برخاسته از ادبیات پژوهش، که در تحقیقات کمی انجام می‌گیرد، از گزارش‌های کلامی افراد در مورد تجربایشان استفاده می‌شود (دلور، غلامزاده و فرح بخش، ۱۳۹۶). در واقع، محقق از تحقیق کیفی به منظور بررسی مسئله یا موضوعی که نیازمند اکتشاف است استفاده می‌کند (جان دبلو کرسول،<sup>۱</sup> ترجمه الهیاری، حسنقلی پور و براری، ۱۳۹۱). پدیدارشناسی مطالعه دنیای فردی است، دنیا به عنوان اینکه ما آن را چگونه تجربه می‌کنیم قبل از آنکه در مورد آن بیندیشیم یا در مورد آن مفهوم‌سازی کنیم یعنی تجربه بلا واسطه و فوری دنیا بدون آنکه از طریق پیش‌داوری‌ها و ایده‌های نظری به تصویر کشیده شود (بورگ و گال<sup>۲</sup>، ترجمه جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳). پدیدارشناسی، تحلیل هر چیزی است که به تجربه در می‌آید. البته تجربه مستقیم نه تنها اشیای مادی، بلکه

1. Creswell, J.

2. Burg, M., & Gal, J.

بسیاری از انواع امور انتزاعی را نیز در برمی‌گیرد. این تجربه، اندیشه‌ها، دردها، عواطف، خاطرات، موسیقی، ریاضیات و ... می‌شود (ادی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷). دانش علمی از منظر پدیدارشناسی، به دنبال شناسایی و توصیف روشی است که افراد به لحاظ ذهنی در آگاهی خود، معانی خاصی را به اشیا الصاق می‌کنند (صیدی، نظری و حسنی، ۱۳۹۵). این روش به جای ارائه یک پیش فرض و گشتن به دنبال شواهدی در اثبات آن به دنبال توصیف ساختار یک پدیده روان‌شناختی است تا بتوان آن پدیده را عمیق‌تر و با جامعیت بیشتری نسبت به سایر روش‌ها درک کرد (خجسته مهر، محمدی، سودانی و عباس‌پور، ۱۳۹۵).

نمونه‌ها شامل ۱۵ نفر از مدیران، معلمان، مشاوران آموزش و پرورش بودند که در سال تحصیلی ۹۶ تا ۹۸ در شهرستان سرپل ذهاب مشغول به کار بودند. پیش از اقدام به پژوهش، مجوز حضور در مدارس سرپل ذهاب از اداره آموزش و پرورش شهرستان دریافت شد. همچنین پیش از شروع مصاحبه از همه شرکت‌کنندگان جهت ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد و به دلیل ملاحظات اخلاقی همچنین در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و عدم پخش و به اشتراک گذاری صدای آن‌ها اطمینان داده شد. ملاک ورود در پژوهش حاضر، متخصصان حوزه تعلیم و تربیت (مدیران، معلمان و مشاوران)، که در شرایط پس از زلزله معروفیت به کارآمدی داشتند (به تشخیص و معرفی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان) که در سال‌های تحصیلی ۹۸-۹۶ در حوزه آموزش و پرورش شهرستان سرپل ذهاب اشتغال به کار داشتند، بودند که با رضایت در این پژوهش شرکت کردند و عدم علاقه و وقت لازم برای همکاری با پژوهش ملاک خروج بود. مصاحبه‌ها به روش کولایزی مرود تحلیل قرار گرفتند. به این ترتیب، بعد از انجام هر مصاحبه، بلافاصله مصاحبه‌ها دست‌نویس و متن حاصل چندین بار خوانده و مرور شد. سپس کلمه به کلمه تایپ گردید و نوشته‌ها بارها مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها به واحدهای معنایی به صورت

جملات یا پاراگراف مرتبط با معنای اصلی شکسته و واحدهای معنایی نیز چند بار مرور و سپس کدهای مناسب هر واحد معنایی نوشته و کدها بر اساس تشابه مفهومی طبقه‌بندی گردید. در نهایت، داده‌ها در طبقه اصلی که کلی‌تر بود، قرار گرفت (شیه و شانون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

## یافته‌ها

پس از تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، ۲۹۰ کد، ۴ شاخص اصلی و ۱۲ زیرشاخص استخراج شد که شرح آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مضامین استخراج شده از داده‌های کیفی

شاخص	دانش‌آموز	معلم و کادر مدرسه	ساختار و امکانات مدرسه	محیط و خانواده
زیرشاخص‌ها	۱. انطباقی-کارکردی	۱. آموزشی	۱. تجهیزات	۱. مالی
	۲. روانی	۲. شخصی	۲. برنامه ریزی	۲. روانی
	۳. تحصیلی	۳. امدادی	۳. وظایف هماهنگی	۳. فیزیکی-ساختاری

## شاخص اول: دانش‌آموز

**الف- انطباقی-کارکردی:** با توجه به شرایط پیش آمده در زلزله و تغییراتی که در جنبه‌های مختلف زندگی دانش‌آموزان ایجاد کرده است، باید زمان کافی را به دانش‌آموزان داده شود تا بتوانند موقعیت و وضعیت پیش آمده را برای خود تحلیل کنند و بتوانند با شرایط کنار آمده و خود را باز یابند. چنانچه گفته‌های شرکت کنندگان در پژوهش حاکی از این است که بعد از سپری شدن زمان لازم دانش‌آموزان از حالت سردرگمی خارج شدند و زمان شروع مجدد مدارس دانش‌آموزان تا حدودی با شرایط کنار آمده و تقریباً به زندگی برگشته‌اند.

به عنوان مثال آقای ۴۲ ساله بیان می‌کند که: « ما از مشاوره‌های آموزش و پرورش هم

استفاده می‌کنیم. منتها اگر اسم مشاور رو میارم منظورم شخص مشاور نیست یا فقط رشته مشاوره تنها منظورم نیست، معلمان می‌توانند یک مشاور خوب باشند، خیلی از همکارای ما دارن این کار رو می‌کنن، منتها زمان براست باید کمی زمان بگذره تا نتیجه زحمت‌ها و صحبت‌های همکارا با بچه‌ها معلوم بشه، باید بهشون زمان بدیم تا بتونن شرایط رو درک کنن و بدونن چه اتفاقی افتاده».

**ب- روانی:** دانش‌آموزان در رده‌های مختلف از لحاظ مسائل روانی گروه حساسی محسوب می‌شوند و هرآنچه در این دوره تجربه می‌کنند در شخصیت بزرگسالی و آینده آنان تأثیرگذار خواهد بود. حال آنکه در شرایط بحرانی مثل زلزله دانش‌آموزان از نظر روانی تحت فشار قرار می‌گیرند، چراکه از طرفی محل زندگی آنان به کانکس و چادر تغییر کرده که با توجه به شرایط جوروانی خوبی نیز بر محیط حاکم نیست و همچنین مکانی برای مطالعه ندارند که بتوانند انتظارات معلمانش را برطرف کنند که این خود باعث فشار روانی به دانش‌آموز می‌شود و همچنین شرایط پیش آمده یک ترس پایدار در دانش‌آموز به وجود آورده است که تأثیرات روحی و روانی مخرب و ماندگاری را در زندگی دانش‌آموزان به جا می‌گذارد. به عنوان مثال یک خانم ۳۸ ساله بیان می‌کند که: «در بحث مدرسه و دانش‌آموز چند مسئله احساس می‌کنم که دانش‌آموز روز جرداده: یکی در کانکس و چادر بودن دانش‌آموز است، فشارهای روحی خیلی زیادی وارد کرد، همین الان هم خانواده‌هایی هستند که به کانکس ۶ متری و ۱۰ متری دارن دانش‌آموز این توان رو نداشت بتونه درس بخونه، مخصوصاً وقتی از صبح تا شب کارکردن والدین رو می‌دید، تا حدودی از درس جا ماندن».

**ج- تحصیلی:** شرایط پیش آمده بر ابعاد مختلف زندگی دانش‌آموزان اثراتی وارد کرده است. از جمله از دست دادن انگیزه دانش‌آموزان برای درس خواندن و غیبت از کلاس درس است که خود این عوامل می‌توانند افت تحصیلی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد و بی‌انگیزگی برای مدرسه آمدن شود چنانچه شرکت کنندگان در پژوهش بیان کردند که



در ابتدای شروع مدرسه تنها تعداد کمی از دانش‌آموزان در مدارس حضور داشتند. «از لحاظ درس هم دانش‌آموز دچار افت تحصیلی شدید شده، علاقه زیادی به درس نداره چون الان آگه توی شهر رفته باشی یا توی چادر یا توی کانکس هستن و هر روز بحث گرانی مصالح ساختمانی است و چون با این مسائل دست و پنجه نرم می‌کنن اکثراً به درس بی‌انگیزه شدن» (آقا، ۴۳ ساله).

### شاخص دوم: معلم و کادر مدرسه

**الف - آموزشی:** به دلیل اهمیت نقش معلمان و محیط آموزشی به زندگی دانش‌آموزان و الگوبودن معلمان برای دانش‌آموزان و با توجه به شرایط پیش‌آمده لازم است آموزش‌هایی از سوی معلمان و کادر مدرسه به دانش‌آموزان داده شود، این آموزش‌ها می‌تواند از طریق نمایش فیلم‌های آموزشی و یا آموزش‌هایی برای حفظ خونسردی در زمان اتفاق افتادن بلایا باشد. همان‌طور که آقای ۴۵ ساله بیان می‌کند: «باید با شرایط آشناشون کنیم، مثلاً اگر بشه گاهی اوقات فیلمی براشون بزاریم اگر بشه داستان‌هایی که برای کسانی در گذشته اتفاق افتاده براشون بگیریم، از همه مهمتر به نظرم آموزش به دانش‌آموز است البته نه دانش‌آموز فقط تمام مردم شهرستان این آموزش را بدیم».

**ب- شخصی:** با توجه به اهمیت و نقش مسئولین و کارکنان مدرسه در بهداشت روان دانش‌آموزان به عنوان کسانی که دانش‌آموزان ساعاتی از روز خود را در کنار آنان می‌گذرانند، لازم است که به بهداشت روان آنان اهمیت داده شود و مخصوصاً در شرایط بحران مشاوره دادن به آنان در اولویت قرار بگیرد و بتوانند جو و محیط دوستانه‌ای را بین خودشان ایجاد کنند چراکه روحیه‌ی معلمان و کارکنان مدرسه برای کار با دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت است.

«باید آموزش و آمادگی بخصوصی برای این شرایط بهشون بدیم به نظر من باید معلمان و مدیران و کادر اجرایی قبل از هر چیزی مورد مشاوره قرار بگیرن، مشاوره‌ی

خاص و همدردی انجام بگیرد» (آقا، ۴۳ ساله)

ج- امدادی: با توجه به شرایط پیش آمده، اهمیت مشاوره به ویژه در مدارس افزایش می‌یابد. مشاور فعال و با دانش کافی مهمترین فرد برای کمک به معلمان و دانش‌آموزان در شرایط بحرانی است چراکه با شناسایی دانش‌آموزان نیازمند مشاوره از طریق مشاوره‌های فردی برای موارد خاص و مشاوره گروهی برای مسائل مشترک به بهبود دانش‌آموزان کمک می‌کند.

«کسایی که متفاوتن و استرسشون زیاده معلوم هستن و برای بقیه مشاوره گروهی می‌داشتیم، بجز کسایی که موارد خاص بودن و شناسایی شده بودن و ترس و واهمه دارن با فن و مشاوره فردی می‌دیم» (خانم، ۳۸ ساله).

### شاخص سوم: ساختار و امکانات مدرسه

الف- تجهیزات: فضای آموزشی و تجهیزات یکی از مهم‌ترین عوامل توانمندسازی مدرسه است که نقش تأثیرگذاری بر کیفیت آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان دارد. در شرایط پیش آمده ابتدا فراهم کردن مکانی مشابه فضای آموزشی مدرسه و تهیه لوازم اولیه برای مدرسه و دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد، چراکه تمام تجهیزات مدرسه و وسایل اولیه دانش‌آموزان همانند لوازم التحریر از بین رفته است.

«برای دانش‌آموزا از خیرین کمک می‌گرفتیم و براشون وسایل تهیه می‌کردیم مثل کیف و کفش و جامدادی، لوازم التحریر چون واقعا بچه‌های راهنمایی با کوچیکترین کادو خوشحال می‌شدن و اینکه وسایلاشون زیر آوار مونده بود این کارها رو می‌کردیم» (خانم، ۳۶ ساله).

ب- برنامه‌ریزی: با توجه به شرایط پیش آمده می‌توان فضاهای آموزشی و ورزشی مدارس را طوری طراحی کرد که باعث جذابیت و لذت بخش بودن محیط مدرسه برای دانش‌آموزان باشد، باید برنامه‌هایی برای تغییر روحیه دانش‌آموزان و جذب کردن آنان

برای بازگشت مجدد به مدرسه فراهم شود و مدارس آمادگی لازم را برای بازگشت مجدد دانش‌آموزان داشته باشد. به عنوان مثال خانم ۴۲ ساله بیان می‌کند که: «به نظرم نمایش فیلم شاد، برنامه ورزشی برای کل بچه‌ها اردو بزارن، از نظر روان‌شناسی به روحیه شون کمک کنن، کمک هزینه برای سرویس روستاییان، ایجاد فضا، گذاشتن مسابقات، با این کارا بچه‌ها شاد میشن و انرژی میگیرن، مسابقات ورزشی می‌تونن به بچه‌ها کمک کنن».

**ج-وظایف هماهنگی:** از آنجا که آموزش و پرورش مسئول هماهنگی‌های لازم است باید از کسانی که قبلاً تجربه چنین شرایطی را داشته‌اند مدد بگیرند و هماهنگی‌های لازم را با سایر ارگان‌ها انجام دهد و به ساخت و ساز مدارس نظارت کافی داشته باشد و در این امر از متخصصان آن حوزه کمک بگیرد.

« بگیم که یه چیز مهم این است که از ناظران و سیمان کارهایی استفاده کنیم که کار الکی انجام ندن و سம்பلش نکنن و به ظاهر ساختمانی را تحویل آموزش و پرورش ندن. باید ناظرهایی که واقعا سخت گیر باشن و طوری باشه که از لحاظ مدرسه خیالش راحت باشه» (آقا، ۴۸ ساله).

### شاخص چهارم: محیط و خانواده

**الف-مالی:** مشکلات مالی و گرفتاری‌های بی‌شماری که زلزله برای خانواده‌ها ایجاد کرده است، باعث تقویت بی‌انگیزگی و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود و حتی گاهی اوقات باعث ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌شود. مدرسه کارآمد پس از زلزله سعی و تلاش خود را برای دریافت کمک از نهادهای مختلف انجام می‌دهد بلکه بتواند کمکی برای دانش‌آموزان دریافت کند. برای مثال خانم ۴۷ ساله بیان می‌کند که: «تا تونستیم کمک گرفتیم، حالا از خیری بوده یا هلال احمری بوده هم از نظر مالی هم از نظر مادی تونستیم وسیله ای، کفشی به هر حال هرچیزی که بود، تقسیم بندی کردیم براساس بضاعت به صورت بی بضاعت و وسع مالی که داشتن تقریباً حس می‌کنم اون فشار کم

کم رفع شد».

ب- روانی: در مواقع بحران و بعد از آن معمولاً شایعاتی در بین مردم پخش می‌شود و باعث افزایش ترس و نگرانی می‌شود و جوراً آشفته می‌کند و این امر بر روی نظر خانواده‌ها و دانش‌آموزان که قشری مستثنی از جامعه نیستند تأثیر گذاشته و باعث نگرانی خانواده‌ها برای فرستادن بچه‌هایشان به مدرسه می‌شود. «الان در حال حاضر این مدارس تعمیری حاضر شدن و مدارس دایر شدن، اما سخت بود واقعا باید والدین رو راضی می‌کردیم چون از ساختمان‌های تعمیری می‌ترسیدن» (خانم، ۳۳ ساله).

ج- فیزیکی- ساختاری: در شرایط پیش‌آمده تغییرات اساسی در محیط فیزیکی شهر و مدارس ایجاد شده است. برای بهبود شرایط و بازگرداندن حیات به شهر باید مدارس را جهت بازگشت مجدد دانش‌آموزان آماده کرد و برای بهبود شرایط از افراد خارج از محدوده بحران برای کمک، یاری گرفت. به عنوان مثال خانم ۴۷ ساله بیان می‌کند که: «وقتی بچه‌ها برگشتن مدرسه فضای شهر عوض شد، باید زودتر مدارس روبه‌راه کنیم و بچه‌ها بیان مدرسه و مدارس برقرار بشن، آگه مدرسه نمی‌اومدیم خیلی بد بود اما بعد از اینکه برگشتن به مدرسه خوب بود، فضای شهر خلوت شد ولی به موقع برگشتیم با اینکه سخت بود من خودم وقتی می‌اومدم استرس داشتم که بچه‌ام توی کانکس جا می‌مونه».

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی شاخص‌های مدرسه‌ی کارآمد پس از زلزله انجام شد که پس از کدگذاری و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با شرکت‌کنندگان، ۴ شاخص اصلی با ابعاد «دانش‌آموزان، معلم و کادر مدرسه، ساختار و امکانات مدرسه و محیط و خانواده» استخراج شد. این مضامین شاخص‌های مدرسه کارآمد پس از زلزله را آشکار می‌سازد.

یکی از این شاخص‌های اصلی که لازم است بدان توجه خاصی شود دانش‌آموز

است. یک مدرسه کارآمد پس از زلزله مدرسه‌ای است که اولویت کار خود را دانش‌آموزان قرار دهد و سعی و تلاش خود را برای بازگرداندن بچه‌ها و انطباق با شرایط جدید و خاص مدرسه بکند و بتواند انگیزه‌های لازم را برای برگشتن به مدرسه به دانش‌آموزش بدهد برای این کار باید زیرشاخص‌های «انطباقی-کارکردی، تحصیلی و روانی» را در نظر بگیرد چراکه زلزله اثرات روحی و روانی متفاوتی را بردانش‌آموزان برجای می‌گذارد چنانچه پژوهش دینه‌ی، اسمایلد، سیزو ولس وینکل (۲۰۰۶) در پی گزارش معلمان و والدین و مدارس مبنی بر رفتارهای مشکوک پس از فاجعه توسط دانش‌آموزان صورت گرفت که نشان‌دهنده عواقب شناختی، اجتماعی و عاطفی در دانش‌آموزان بود پس لازم است پس از زلزله توجه خاصی به دانش‌آموزان صورت گیرد.

دومین شاخص به دست آمده معلمان و کادر اجرایی مدرسه هستند که در کارآمد بودن مدرسه پس از زلزله نقش مهمی را ایفا می‌کنند چرا که هرکدام از آنان الگویی برای دانش‌آموزان هستند و می‌توانند در روحیه بخشی به دانش‌آموزان و برپایی مدارس نقش مهمی را ایفا کنند. همان‌طور که اشمیت (۲۰۱۸) در پژوهش خود به اهمیت و ضرورت آموزش پروتکل‌های اورژانسی به معلمان و مدیران برای مدیریت کردن شرایط بحرانی در مدارس تأکید می‌کند. برای موفقیت و مؤثر واقع شدن معلمان و کادر اجرایی مدرسه باید زیرشاخص‌های «آموزشی، شخصی و امدادی» مورد توجه قرار بگیرد تا معلمان و کادر اجرایی مدرسه بتوانند شرایط پس از زلزله را با روش‌های صحیح مدیریت و کنترل کنند.

یکی دیگر از شاخص‌های به دست آمده ساختار و امکانات مدرسه است که از جمله شاخص‌های مهم برای کارآمدی یک مدرسه پس از زلزله می‌باشد. چراکه فضا و امکانات آموزشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در رشد و پیشرفت دانش‌آموزان یک مدرسه باشد. در نتیجه برای کارآمد بودن یک مدرسه پس از زلزله باید در ابتدای کار حداقل امکانات آموزشی را برای مدرسه و دانش‌آموزان تهیه کرد و حتی مدارس تجهیزات لازم برای

مواقع ضروری مثل شرایط زلزله را داشته باشند به همین دلیل مدارس برای کارآمد بودن در شرایط پس از زلزله باید زیرشاخص‌های «تجهیزات و امکانات، برنامه ریزی و همچنین وظایف هماهنگی» را مد نظر داشته باشند. یافته‌های پژوهش مهرآئین و کاظمی (۱۳۹۵) آمادگی مدارس از نظر منابع و تجهیزات اضطراری در حد متوسط ارزیابی می‌کند و همچنین زیرشاخص‌های به دست آمده در این پژوهش اهمیت توجه بیشتری به ساختار و امکانات مدرسه را نشان می‌دهد.

شاخص دیگری که به گفته متخصصان شرکت کننده در پژوهش می‌تواند در کارآمد بودن مدرسه پس از زلزله نقش داشته باشد شاخص محیط و خانواده است. از آنجا که خانواده به عنوان اولین و مهمترین پایگاه تربیتی و رشد روانی و عاطفی فرد مطرح است مشکلاتی که در خانواده پیش می‌آید به دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و همچنین با توجه به اینکه دانش‌آموزان و معلمان نیز قشری از جامعه هستند محیط و شرایط پیش آمده به آنان تأثیر خواهد گذاشت در این زمینه باید به زیرشاخص‌های «مالی، روانی و بعد فیزیکی - ساختاری» توجه شود.

مدرسه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است و از جمله ارکانی است که در شرایط زلزله می‌تواند نقش مؤثری را داشته باشد و به بهبود شرایط روحی و روانی دانش‌آموزان کمک کند و همچنین آموزش‌های لازم را برای شرایط حین و بعد از زلزله به دانش‌آموزان بدهد و از این طریق آموزش‌های لازم را به خانواده‌ها و جامعه منتقل کند. از پژوهش به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که مدرسه کارآمد پس از زلزله دارای یکسری شاخص‌ها است که با به کارگیری آن‌ها می‌توان برنامه‌ها و امکانات ضروری را برای کارآمد بودن مدارس پس از زلزله تدوین کرد. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که از جمله می‌توان به شرایط و موقعیت منطقه‌ی زلزله زده و دشواری در یافتن محل اسکان مدارس اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش در ساخت و ساز مدارس سخت‌گیری و نظارت لازم

را انجام دهد و سازمان آموزش و پرورش آمادگی تجهیز و تأمین وسایل مورد نیاز مدارس پس از زلزله را داشته باشد و همچنین آمادگی و آموزش‌های لازم را برای برخورد با مواقع بحرانی از جمله زلزله به دانش‌آموزان و معلمان بدهد تا حتی بتوانند در مواقع زلزله به عنوان نیروهایی مفید به مردم خدمت‌رسانی کنند و همچنین پیشنهاد می‌شود که با استفاده از روش شناسی کمی ابزار سنجشی برای شناسایی و اندازه‌گیری میزان انطباق مدارس با مفهوم مدرسه کارآمد در بحران زلزله تهیه شود.

## تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

## منابع

- بیان‌زاده، ا.، اسلامی، ی.، سام آرام، ع.، فروزان، س.، اقلیما، م. (۱۳۹۴). وضعیت زندگی بازماندگان زلزله بم. *فصلنامه علمی رفاه اجتماعی*، ۱۳ (۳)، ۱۱۴-۱۳۲.
- خجسته مهر، ر.، محمدی، ر.، سودانی، م.، عباس پور، ذ. (۱۳۹۵). تجربه زیسته فداکاری در ازدواج‌های پایدار. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۶۵ (۱۷)، ۱۵۰-۱۸۵.
- دلاور، ع.، غلامزاده، ج.، فرح بخش، ک. (۱۳۹۶). بررسی اهداف ازدواج افراد متأهل راضی و ناراضی. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶ (۶۱)، ۱۱۲-۱۳۳.
- صیدی، م.، نظری، ع.، حسنی، ج. (۱۳۹۵). شناسایی اسطوره‌های والدگری در بافت فرهنگی-اجتماعی شهرستان کرمانشاه: یک مطالعه دلفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵ (۲)، ۲۰۱-۱۸۸.
- کاظمیان، س. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مداخلات مشاوره‌ای انجمن مشاوره ایران در بحران زلزله کرمانشاه مبتنی بر روایت. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۶۵ (۱۷)، ۱۰۳-۷۱.
- کرسول، ج. (۲۰۰۷). *روش و طرح تحقیق کیفی انتخاب از میان پنج رویکرد تحقیق کیفی*، ترجمه طهمورث، حسنیقلی، اشکان، هیاری، مجتبی، برای. (۱۳۹۱)، تهران، انتشارات نگاه دانش.
- کرمی، غ.، معتقد، م.، انیسی، ج.، عاملی، ج.، کجویی، ح.، قدوسی، ک.، سعادت، ع. (۱۳۸۶). بررسی عوارض روان‌شناختی بازماندگان زلزله بم. *مجله علوم رفتاری*، ۱ (۱)، ۳۲-۲۷.
- گال، م.، بورگ، گال، ج. (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (جلد دوم)

- مترجمین، جمعی از نویسندگان زیر نظر احمد رضا نصر اصفهانی، چاپ هفتم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و دانشگاه شهید بهشتی.
- مهرآئین نزدیک، ز، کاظمی، م. (۱۳۹۵). مطالعه آمادگی مدارس متوسطه ی اول شهر شیراز برای مواجهه با مخاطره زلزله. *فصلنامه علمی-پژوهشی امداد و نجات*، ۸ (۲۱)، ۹۲-۱۰۴.
- Clettenberg, S., Gentry, J., Held, M., & Mock, L. A. (2011). Traumatic loss and natural disaster: A case study of a school-based response to Hurricanes Katrina and Rita. *School psychology international*, 32 (5) , 553-566.
- Baytiyeh, H. (2017). Why School Resilience Should Be Critical for the Post-Earthquake Recovery of Communities in Divided Societies. *Education and Urban Society*, 0013124517747035
- Edie, J. M. (1987). Edmund Husserl's phenomenology: A critical commentary. Indiana University Press.
- Evans, L., & Oehler-Stinnett, J. (2006). Children and natural disasters: A primer for school sychologists. *School Psychology International*, 27 (1) , 33-55.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15 (9) , 1277-1288.
- Schmidt, J. (2018). Notes on national earthquake education programs in Israel. *Procedia engineering*, 212, 1265-1272.
- Widyatmoko, C., Tan, E. T., Conor Seyle, D., Haksi Mayawati, E., & Cohen Silver, R. (2011). Coping with natural disasters in Yogyakarta, Indonesia: The psychological state of elementary school children as assessed by their teachers. *School psychology international*, 32 (5) , 484-497.
- Smilde-van den Doel, D. A., Smit, C., & Wolleswinkel-van den Bosch, J. H. (2006). School performance and social-emotional behavior of primary school children before and after a disaster. *Pediatrics*, 118 (5) , e1311-e1320.
- Tierney, K., Khazai, B., Tobin, L. T., & Krimgold, F. (2005). Social and public policy issues following the 2003 Bam, Iran, earthquake. *Earthquake spectra*, 21 (S1) , 513-534.